

# مقایسه با آینده / نیازمند سیاستمداریم

## عباس عبدي

آقای روحانی هم رفت. ارزیابی دقیق و منصفانه عملکرد دوره هشت ساله او اکنون ممکن نیست. به ویژه اینکه ما منتظریم که ارزیابی عملکرد را با آینده‌ای که هنوز نیامده است مقایسه کنیم! در حقیقت باید گفت که در آینده همچون دفعات پیش، مردم حسرت گذشته را خواهند خوردند. شاید فقط در دوره اصلاحات بود که چنین حسرتی مشاهده نشد. مردم منتظرند ببینند بعدی‌ها چه خواهند کرد تا در مورد روحانی و دوره او داوری نهایی خود را تجدید کنند. داوری نسبت به هر دوره‌ای از جمله دوره روحانی یا سیاسی است یا تاریخی. داوری سیاسی هم‌اکنون در حال انجام شدن است.

این داوری‌ها همراه با حب و بغض است. مثل داوری طرفداران تیم‌های فوتبال است. داوری تاریخی یعنی زمانی که مثبت یا منفی بودن داوری برای ما اهمیت سیاسی نداشته باشد. برای این منظور چند دهه باید صبر کنیم تا بتوانیم داوری بیطرفانه و منصفانه‌ای داشته باشیم. ولی پیش از آن يك داوری اجمالی درباره روحانی تقدیم می‌کنم. نکته مهم‌تر اینکه عملکرد او در ذیل ساختار سیاسی موجود باید انجام شود و نمی‌توان آن را مستقل دانست.

اول؛ ظلمی است که به او شد. در تاریخ جدید ایران سراغ ندارم، يك نفر مسوول که از مردم هم رای گرفته باشد تا این حد تحت فشار و توهین و چوب گذاشتن لای چرخش باشد. البته در اجرای این مشکل خود او هم بی‌تقصیر نیست و به عنوان يك سیاستمدار باید رفتار بهتری می‌داشت که در ادامه خواهم نوشت. با این حال روحانی تحت فشار و حتی توهین و کارشکنی شدید نهادهای دیگر بود و این در جهان هم بی‌سابقه است. بزرگ‌ترین دستاورد دولت او برجام بود و همان هم به پاشنه آشیل روحانی تبدیل شد.

جمع کردن بساط فاجعه‌آمیز موسسات اعتباری از سوی دولت و بانک مرکزی او مهم بود ولی هزینه بسیاری بابت آن پرداخت شد که تورم شدید و اعتراضات عمومی، متاثر از اجرای این برنامه بود، زیرا ده‌ها هزار میلیارد تومان را به‌ناحق و غیرقانونی از جیب مردم برداشتند و صرف جمع کردن این موسسات کرد که نباید چنین می‌کرد.

این رفتار را مقایسه کنید با رفتار دولت روحانی در بورس. آنان که در موسسات غیرقانونی مزبور بودند پول خود را از جیب مردم گرفتند و افراد بورسی دچار زیان شدید شدند.

پیشرفتهای اقتصادی او در صنعت و زیرساختها و نیز اشتغال، با توجه به مقایسه دوره اصولگرایان و منابع او قابل قبول است. قابل قبول در چارچوب موجود والا به این دوره هم نقدهای فراوانی هست. بهترین وزارتخانه‌های او پس از خارجه، نفت، ارتباطات، راه و نیرو بودند که عموماً به امور زیرساختی پرداختند. ارتباطات و اینترنت دستاورد مهم دولت او است.

نتایج منفی او را نیز خلاصه می‌نویسم. مقابله با کرونا، کم‌توجهی به مساله فساد، کم‌توجهی به سیاست ارتباطی با جامعه و رسانه‌ها که از همان لحظه اول بر آن تاکید میشد، همچنین اشتباهات جدی در سیاست ارزی، حمایت از قیمت ارز و سپس کشیده شدن فنر قیمت آن، عدول از سیاست یکسان‌سازی قیمت ارز، تقدم دادن مساله سیاست خارجی به اقتصاد و سیاست داخلی که موجب اختلال در همان سیاست خارجی نیز شد از جمله این موارد است.

مشکلات مهم‌تر آقای روحانی در ویژگی‌های شخصی او بود. عصبانی میشد، غرور زیادی داشت، مخالفانش را تحقیر می‌کرد، دافعه داشت و فاقد جاذبه بود، زیردستان و همکارانش را کمتر تحویل می‌گرفت. ادبیات تند و بعضاً ناروا در عرصه عمومی داشت، قادر به جلب حس همدلی و همراهی مردم نبود، در يك کلام فاقد محبوبیت لازم برای سیاست‌ورزی بود. او يك سیاستمدار کلاسیک جمهوری اسلامی ایران بود که از دل مردم بالا نیامده بود، بلکه از درون ساخت قدرت اصولگرایی رشد کرده بود. علت رای‌آوری او نیز شکاف میان سیاست‌ورزان مردمی و حکومت بود که او را در میانه راه ترجیح دادند و برکشیدند. او به جای آنکه سعی کند این حامیان را حفظ کند. گمان کرد بدون آنان قادر به پیشبرد اهداف خود است. روحانی نه رابطه خوبی با مردم و حامیانش داشت، نه رابطه خوبی با کارگزارانش و نه رابطه خوبی با ساخت قدرت و مخالفانش. حتی در برخورد با خارج نیز بعضاً دچار اشتباهات جدی میشد. رفتارش با چین یا گفتارش علیه ترامپ از این نمونه است. او تنها آمد و از يك شکاف سیاسی بهره‌مند شد و بالا آمد و اکنون نیز تنها می‌رود و نتوانست جریان ماندگاری در سیاست ایجاد کند. البته خوششانس است که عملکرد دولت پس از این، به احتمال فراوان او را به نوستالژی مردم ایران تبدیل خواهد کرد.